

یاد تروتسکی گرامی باد !

رحمت خوشکدامن

تروتسکی در روز ۲۶ اکتبر ۱۸۷۹ در یکی از روستاهای اوکراین دیده به جهان گشود . او در اوان جوانی به فعالیت سیاسی روی می آورد . توانایی ، شوق و اشتیاق او در ارتباط گیری با جنبش کارگری سبب شد که او همیشه در میدان مبارزه طبقاتی حضور عملی داشته باشد . از اینرو در سن هفده سالگی او یکی از سازمان دهندگان " تشکیلات کارگری جنوب " کشور بود ، که در مدت کوتاهی این تشکیلات کارگری موفق می گردد که هزاران کارگر را به عضویت خود در آورد . عمر آن کوتاه بود ولی در همان مدت کوتاه توانست مبارزات کارگری را حول و حوش ساعات کار روزانه و امکانات رفاهی از جمله بیمه درمانی سازمان دهد .

این تشکیلات در سال ۱۸۹۸ از سوی تزار که تحمل هیچ تشکلی را نداشت متلاشی می گردد و تمام رهبران آن از جمله تروتسکی دستگیر می گردد و روانه تبعید به سیبری می شوند . تروتسکی پس از مدت کوتاهی موفق به فرار می گردد . در سال ۱۹۰۲ برای اولین بار به اروپا می آید و در همین سال با لنین آشنا می گردد . استعداد های او باعث می شد که او در همه جا مورد توجه همگان قرار گیرد . لنین او را به هیئت تحریر ایسکرا که در آن موقع مهمترین نشریه سراسری سوسیال دموکراتها بود دعوت می کند . تروتسکی در سن ۲۳ سالگی اولین تجربه روزنامه نگاری اش را آغاز می کند . او با هوشیاری کامل و پختگی تمام می دانست که نوشته اش را چگونه آغاز کند و چگونه پایان برد که نقش تهییج و سازمان گرانه داشته باشد .

در ۲۴ سالگی در سال ۱۹۰۳ درکنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه شرکت می کند . درکنگره پیرامون اختلافاتی که در حزب ایجاد می گردد او ابتدا در کنار لنین و بعداً در تداوم بحث ها و عمیق تر شدن اختلافات به طرف داری از مواضع منشویکی روی می آورد و در کنار آنها بر علیه لنین به مبارزه نظری می پردازد . او پس از یکسال همکاری با منشویکها از آنها جدا می گردد و گرایش مستقلی را نمایندگی می کند و با هر دو جناح حزب سوسیال دموکرات اختلاف پیدا می کند .

انقلاب ۱۹۰۵ آغاز می گردد و اعتصابات کارگری گسترده ای در روسیه ایجاد می گردد . طبقه کارگر جوان روسیه از خوستهای صرفاً اقتصادی گامی فراتر می نهد و با اعلام شعارها و خواسته های سیاسی مبارزه اش به خیابانها کشیده می شود . در روند درگیری و مبارزه کارگران با کارفرمایان و دارودسته های تزاری تشکل های سراسری بوجود می آید که پترزبورگ کانون اصلی آن می گردد .

تروتسکی در همان چند ماهه اول انقلاب به روسیه باز می گردد . او به پترزبورگ می آید و با جنبش کارگری رابطه ای نزدیک برقرار می کند . فعالیت عملی و لحظه به لحظه او موجب می شود که در راس شوراها قرار گیرد و در تصمیم گیری های آن نقش برجسته ای را ایفاء نماید . لوناچارسکی در این باره و نقش و محبوبیت او در بین کارگران پترزبورگ پس از سالها یعنی در سال ۱۹۲۳ چنین می نویسد : " محبوبیت تروتسکی میان پرولتاریای پترزبورگ در آن زمان خیلی زیاد بود و به علت رفتار شجاعانه و موثرش در دادگاه زیادتیر هم شد باید بگویم در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶ تروتسکی با وجود جوانی اش در میان رهبران سوسیال دموکرات از همه آماده تر بود نشان مهاجرت که حتی لنین نیز از آن بی نصیب نبود در او کمتر دیده می شد تروتسکی بهتر از دیگران احساس می کرد که یک مبارزه همه جانبه علیه دولت یعنی چه ؟ از میان حوادث انقلاب نخست (۱۹۰۵) بزرگترین محبوبیت ها را کسب کرد در حقیقت لنین و مارتف از این رهگذر بهره ای نبردند پلخانف به علت گرایش های نیمه لیبرال حتی محبوبیت خود را تا اندازه ای از دست داد ولی تروتسکی از آن پس جایی در ردیف اول قرار داشت . " (۱)

پس از شکست انقلاب و درهم شکستن شوراها کارگری تروتسکی مجدداً دستگیر می گردد و به سیبری انتقال داده می شود . او با جمع بندی انقلاب ۱۹۰۵ به دستاوردهای نظری جدیدی روی می آورد که به تاز انقلاب مداوم مشهور می باشد . تروتسکی برخلاف تمام سوسیال دموکراتها اعتقادی به دو مرحله ای کردن انقلاب نداشت (۲) ویر این اعتقاد بود که طبقه کارگر پس از قدرت گیری تلفیقی از وظایف دموکراتیک و سوسیالیستی انقلاب را سازمان می دهد و به سوی سوسیالیسم گام برمی دارد . این نظر بعدها از سوی لنین در سال ۱۹۱۷ در نوشته معروفش به نام تزه های آوریل فورموله می شود .

پس از شکست انقلاب تاریک ترین لحظات ، ارتجاع استولپین آغاز می گردد . حکومت سیاه استولپین با کودتای ۳ ژوئن به قدرت می رسد و بلافاصله دوما دوم را متلاشی می کند . برخلاف روزهای انقلاب که دهها هزار نفر به سوی انقلاب و مبارزه جذب می شدند ، علاقه مندی به سوسیالیسم کم رنگ می گردد و دسته دسته سوسیالیستها از کار سیاسی و حزبی دور می شوند . دیگر سوسیالیست بودن مد روز نبود ، اعضای احزاب انقلابی در امان نبودند . توقیف روزنامه و دستگیری انقلابیون در سطحی وسیع جاری بود . هر روز از تعداد انقلابیون کاسته می شد ، تعداد اعضای احزاب سیاسی به حداقل کاهش می یابد و فقط تعداد کمی از طرفداران سوسیالیست باقی می ماندند . مجدداً سوسیالیستها و مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم به کار مخفی و زیرزمینی روی می آورند . دامنه ی سرکوب آنقدر وسیع بود که حتی سیاست مداران میانه رو لیبرال نیز از آن در امان نبودند . در آن روزها میلیوکف یکی از سیاست مداران لیبرل که از سیاست های دولت تزاری سرخورده شده بودند و همه چیز را برای خودشان نامساعد می دیدند در مورد سیاست های تزار چنین با نارضایتی لب به سخن می گشاید: " تا زمانی که می پنداشتند ما نیروهای سرخ را پشت سر داریم ، ما را به شرکت در حکومت فرا می خواندند .. تا زمانیکه ما را انقلابی می انگاشتند ، به ما احترام می گذاشتند ، لیکن از آن زمان که ما به صورت حزبی وفادار به قانون اساسی در آمدیم ، دیگر به ما نیازی ندارند ."

"(۳)"

بازگشت مجدداً برای انقلابیون به کار مخفی و زیر زمینی دشوار بود و به سختی به آن تن می دادند . گرایشات متفاوتی در درون انقلابیون ایجاد می گردد و حتی بعضی شان ضرورت کار مخفی را نفی می کردند و از موضع انحلال طلبی خواهان فعالیت در چارچوب امکانات قانونی دولت تزاری بودند . این گرایش هم در درون بلشویکها و هم در میان منشویکها وجود داشت . تروتسکی همانند لنین و پلخانف و مارتف به ضرورت کار مخفی و مبارزه با گرایش انحلال طلبی تاکید می کرد . اما با این وجود اثرات رکود انقلاب بر شخصیت های بزرگی مثل او نیز بی تاثیر نبود و در سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴ فعالیت عملی چشمگیری نداشت . چنانکه خود در این باره در کتاب "زندگی من" می گوید: "نیمی از کارمن در سالهای ارتجاع عبارت از این بود که انقلاب را تفسیر کنم و از راه تحقیق نظری راه انقلاب دوم را هموار سازم ." (۴)

جنگ جهانی در ۱۹۱۴ آغاز می گردد ، لنین و بلشویکها با شهادتی قابل ستایش بر علیه جنگ موضع گیری می کنند و پیگرانه از کارگران سراسر دنیا می خواهند که بر علیه دولتهای خودی مبارزه کنند و جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تبدیل نمایند . تروتسکی نیز بر علیه جنگ موضع گیری می نماید . در سال ۱۹۱۵ کنفرانس سیمروالد برگزار می گردد . تروتسکی در این کنفرانس تلاش ویژه ای از خود نشان می دهد که دو جناح حزبی را بهم نزدیک گرداند و بیانیه مشترکی را بر علیه جنگ امپریالیستی به تصویب برساند . چنین توافقی به سختی صورت می گیرد .

پس از کنفرانس سیمروالد تروتسکی به علت اختلافات کوچک و جزئی از لنین فاصله می گیرد ، ولی از لحاظ نظری هر روز در پراتیک مبارزاتی خود را به بلشویکها نزدیک تر احساس می کند . چنانکه در همین سالها بطور کلی از منشویکها فاصله می گیرد . سال ۱۹۱۷ قبل از انقلاب با عده ای از بلشویکهای مقیم آمریکا (بوخارین و کولنتای و ..) همکاری مشترک می نماید .

بعد از انقلاب فوریه در سال ۱۹۱۷ اختلافات جزئی ما بین تروتسکی و لنین به کناری پرتاب می گردد و به علت وجه اشتراک اساسی در پراتیک مبارزاتی تقریباً از موضع واحدی بر علیه گرایشات راست و لیبرالی جنبش کارگری به مبارزه با دولت کرنسکی می پردازند . قاطعیت لنین و نقش دوران ساز او در دریافت لحظات مهم و حساس انقلاب و نقش سازمان گری تروتسکی سبب می گردد که در فاصله پس از فروپاشی قدرت دوگانه این دو رهبر بزرگ انقلاب نقش والای در پیروزی انقلاب اکتبر داشته باشند . تا جائیکه نقش عملی تروتسکی چنان برجسته است که هیچ گزارشی و کتاب تاریخی نیست که به این موضوع اشاره نداشته باشند . او یکی از سازماندهندگان اصلی قیام اکتبر بود .

ترتسکی ارتش سرخ را درمقابله با ضد انقلاب سازمان می دهد . شرایط سخت اوضاع جامعه ، قحطی و گرسنگی ، عقب ماندگی اقتصادی کشور و بی فرهنگی عمومی موجب می شود که دولت نوپای کارگری در جنگ داخلی برای مقابله با مخالفین (حتی نظری) از شیوه های نادرست استفاده کند . در کنگره دهم حزب در سال ۱۹۲۱ به جای اینکه به نقد چنین شیوه های بپردازند . آنها را قانونی می کنند و که به لغو کامل آزادی های سیاسی می انجامد و تمام

گرایش‌های حزبی را سرکوب می‌نمایند. تروتسکی در این دوره از چنین سیاستی حمایت می‌کند. پس از قدرت‌گیری استالین در حزب تروتسکی متوجه رشد بوروکراسی می‌شود و همین موضوع را در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش گوشزد می‌نماید.

لنین در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ مدام نگرانی‌های خود را از اوضاع بوجود آمده ابراز می‌نماید. او مدام در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش از خطرات بوروکراتیزه شدن حزب و دولت صحبت می‌نماید. حتی در آخرین نامه‌هایش که به وصیت‌نامه او مشهور است به خصوصیت‌های شخصیت‌های رهبران می‌پردازد و برای خنثی کردن آنها پیشنهادهای ارائه می‌دهد. در اوئل ۱۹۲۴ لنین می‌میرد. پس از مرگ لنین مبارزه گرایش‌های درون حزب که از مدتها قبل آغاز شده بود گسترش پیدا می‌کند، طرفداران استالین که قدرت اصلی در دست شان بود نیروهای مخالف نظری را یکی پس از دیگری حذف می‌نمایند. در همان سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ هزاران طرفدار تروتسکی را از حزب اخراج راهی تبعید و زندان می‌نمایند و خود تروتسکی و همسرش نیز از کشور تبعید می‌شوند. تروتسکی پس از خارج شدن از کشور تا زمانی که زنده بود از مبارزه بر علیه استالین و انحرافات نظری دولت ضد کارگری او کوتاهی نمی‌کند. استالین که توان مبارزه نظری را با او نداشت برای خاموش کردن او برنامه ترور او را طرح ریزی می‌کند، بارها طرح‌هایش به نتیجه نمی‌رسد، تا اینکه در ماه اوت ۱۹۴۰ موفق می‌گردد که از طریق مامور ویژه اش در مکزیک تروتسکی را به قتل برساند.

تروتسکی مرد ولی یاد او و تجاربش همیشه برای جنبش کارگری جهان زنده خواهد بود.

۱۸ اکتبر ۲۰۱۰

زیرنویس ها :

۱- از کتاب زندگی من - نوشته تروتسکی - ترجمه هوشنگ وزیری ص ۲۲۵

۲- تمان سوسیال دموکراتهای روس (بلشویک و منشویک) انقلاب روسیه را به دو مرحله تقسیم می‌کردند و می‌گفتند که ابتدا روسیه باید مرحله دموکراتیک را طی کند و بعد نوبت به انقلاب سوسیالیستی می‌رسد. آنها عملاً دیوار چین بین این دو مرحله می‌کشیدند.

۳- از کتاب پیامبر مسلح نوشته ایزاک دویچر - ترجمه محمد وزیر - ص ۲۰۰

۴- از همانجا ص ۲۰۱